

بررسی فقهی تطبیق عنوان ثانویه حفظ نظام بر مسئولیت‌های اجتماعی زنان، با تأکید بر دیدگاه امام خمینی (ره)

محمد علی قادری^۱

^۱ استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی (نویسنده مسئول)

چکیده

حضور اجتماعی زنان، به جهت شرایط اجتماعی نامساعد، مبانی فکری ناصحیح، رفتار تبعیض آمیز و مفساد اجتماعی، از دیرباز از منظر اخلاقی و فقهی، درسایه‌ای از ابهام قرار دارد. اسلام با معارفی برگرفته از وحی و سر منشأ خلقت، جایگاه طبیعی و حقیقی زن را تبیین نموده و به رسمیت شناخته است. در همین راستا شارع مقدس، مسئولیت‌هایی بر عهده‌ی زنان نهاده، که برخی با عنوان اولیه و برخی با عناوین ثانویه، فعالیت و ایفای نقش زنان را در عرصه‌ی اجتماع، امری ضروری و الزامی قرار می‌دهد. یکی از مهمترین عناوین ثانویه، عنوان حفظ نظام می‌باشد که به جهت اولویت و تقدم آن بر سایر قواعد و احکام فقهی دارای اهمیت بوده و به نوعی حاکم بر سایر ادله می‌باشد. نگرش نوین امام خمینی (ره) به این قاعده از جهت توسعه‌ی مفهوم و مصادیق آن در حل معضلات اجتماعی-فقهی، حائز اهمیت و راهگشا است. در این پژوهش که به روش توصیفی-تحلیلی صورت گرفته، ضمن تقریر انواع مسئولیت‌های زنان در جامعه، و تبیین مفهوم، شرایط و کارکردهای قاعده‌ی حفظ نظام، به بررسی تطبیقی مصادیق این قاعده بر مسئولیت‌های اجتماعی زنان پرداخته شده و نقش زنان در مسئولیت‌های نظامی، به عنوان نمونه مورد بررسی قرار گرفت. از جمله نتایج به دست آمده در این پژوهش عبارت است از اینکه اولاً: محدودیتی در پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی برای زنان، با رعایت آداب شرعی وجود ندارد. ثانیاً: انطباق مسئولیت‌های زنان با عنوان حفظ نظام، در چهار بُعد حفظ کیان اسلام، حفظ نظام معیشت، حفظ نظام اجتماعی و حفظ نظام سیاسی و حکومتی قابل تصور است. ثالثاً: خصائص شغلی زنان، از قبیل: «شرط جنسیت»، «شرط تخصص»، «خلأ کمبود نیرو»، «حفظ جان مسلمین»، «شئون اختصاصی زنان مسلمان» و «انحصار برخی استعدادها در زنان» از اهم معیارهای انطباق با عنوان حفظ نظام می‌باشد و این نوع مسئولیت‌ها را در تراحم با سایر احکام و حقوق، در اولویت قرار می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: امام خمینی (ره)، حفظ نظام، فقهی، عنوان ثانویه، مسئولیت، اجتماعی.

مقدمه

حضور اجتماعی زنان از دیر باز، همواره با مشکلات و آفاتی برای زنان به همراه بوده، که شرایط اجتماعی نامساعد، مبانی فکری ناصحیح، رفتار تبعیض آمیز و مفسد اجتماعی، اهم عوامل آن به شمار می آید. این امر موجب شده، جهات اخلاقی و فقهی این حضور و فعالیت، درسایه‌ای از ابهام قرار گیرد. فقهاء و علماء اسلامی با نگرشی برگرفته از وحی و معارفی از سر منشأ خلقت، همواره سعی نموده‌اند، جایگاه طبیعی و حقیقی زن را تبیین نموده و در اجتماع به آن رسمیت بخشند. در همین راستا در منابع فقهی، مسئولیت‌هایی که شارع مقدس، بر عهده‌ی زنان نهاده، مورد بررسی قرار گرفته، که برخی با عنوان اولیه و برخی با عناوین ثانویه، فعالیت و ایفای نقش زنان را در عرصه‌ی اجتماع، امری ضروری و الزامی قرار می دهد. یکی از مهمترین این عناوین ثانویه، عنوان حفظ نظام است که به جهت اولویت و تقدم آن بر سایر قواعد و احکام فقهی دارای اهمیت بوده و بر سایر ادله، حاکم می باشد. منتهی تبیین مفهوم مسئولیت های اجتماعی و مفهوم قاعده ی حفظ نظام و اینکه ابعاد و شرایط این قاعده چگونه است؟ و همچنین پاسخ به این سؤال که: شاخصها و معیارهای این قاعده در انواع و اقسام فعالیتها، مشاغل و مسئولیت‌های زنان چه می باشد؟ برای تطبیق عنوان حفظ نظام بر مسئولیت های زنان امری ضروری است. نگرش نوین امام خمینی (ره) به این قاعده از جهت توسعه‌ی مفهوم و مصادیق آن در حل معضلات اجتماعی-فقهی، راهگشا و چراغ راه ما و مبنایی برای پاسخ به این پرسش‌ها می باشد.

مفهوم شناسی مسئولیت اجتماعی

واژه «مسئولیت» در فرهنگ لغت فارسی، به معنای پاسخگویی، پاسخ دهی و سرپرستی، بوده و به جهت بیان تکلیف، کار، نقش، وظیفه، تعهد، رسالت و مأموریت، به کار رفته است. (دیکشنری آنلاین آبادیس) غالباً مسئولیت به مفهوم تکلیف و وظیفه و آنچه که انسان عهده‌دار آن باشد، کاربرد دارد. فرهنگ دهخدا در این زمینه می‌نویسد: «مسئولیت. مصدر صناعی یا جعلی از مسؤول. است. و ضمانت. ضمان. تعهد. مؤاخذه و ... است.» (دهخدا، ج ۱۳، ص ۲۰۹۰۷) این واژه در فرهنگ لغات عربی قدیمی، ذکر نشده و تنها مصباح المنیر آورده است که: «و (المَسْئُولُ) الْمَطْلُوبُ.» (فیومی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص: ۲۹۷) در مورد سؤال نیز آورده اند که به معنای درخواست و استدعاست. (راغب، ۱۴۱۲؛ ص: ۴۳۷)

اما مسئولیت در اصطلاح حقوقی، «به تعهد قانونی شخص بر جبران ضرری که به دیگری وارد کرده است، گفته می شود. خواه این ضرر ناشی از تقصیر ایجادکننده ی ضرر باشد، یا این که ضرر در اثر فعالیت او به دست آمده باشد» (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷، ص ۶۴۲). در یک تقسیم بندی، مسئولیت به دو نوع کلی تقسیم شده است: ۱- مسئولیت اخلاقی-۲- مسئولیت قانونی و یا حقوقی که خود به چهار زیر شاخه ی مسئولیت مدنی، کیفری، اداری و بین المللی تقسیم می شود. (به نقل از: فرید محسنی، ۱۳۹۳، ص ۹۰)

از منظر فقهی نیز احکامی با عناوین «وجوب و حرمت»، که الزام آورند نشان از وجود مسئولیت تشریحی دارند. و از این هرچند گستره دین، فقط محدود به شریعت و احکام نیست؛ بلکه بر مبنای تفاوت احکام اخلاقی و فقهی برای مسئولیت اخلاقی، تعاریف، موضوعات و انواعی ذکر شده که با مسئولیت فقهی متفاوت است. به هر حال این مسئولیت ها گاهی ماهیت فردی دارد و گاهی ماهیت جمعی.

امروزه، بحث از مسئولیت اجتماعی، بیشتر در مورد اشخاص حقوقی و به ویژه شرکت های تجاری رواج دارد؛ و غالباً در جستجوی معنای این اصطلاح، تنها به تعاریف مرتبط با شرکت‌ها بر می خوریم. به گونه ای که شرکت های تجاری را اصلی ترین اشخاصی می شناسیم که در جامعه ی امروزی با تعهدات اجتماعی مرتبط هستند. (ر.ب: فرید محسنی، ۱۳۹۳، ص ۸۹) اما در مورد مسئولیت اشخاص، بیشتر همان تعبیر «مسئولیت اخلاقی» به کار رفته است. لذا برخی از محققین، معتقدند: «می توان

اصل مسئولیت اخلاقی انسان را برهانی و بر اساس مبانی جامعه‌شناختی و مباحثی چون تکلیف اخلاقی، حق اخلاقی و تلازم آن با تکلیف، همچنین تلازم میان تکلیف و مسئولیت، تبیین نمود. (شهریاری پور، ۱۳۹۱، ص ۲۵)

اما مقصود ما از مسئولیت اجتماعی در این مقام، هم به تعریف مسئولیت اشخاص حقوقی قرابت دارد و هم به مسئولیت اخلاقی اشخاص حقیقی نسبت به اجتماع. منظور ما از مسئولیت اجتماعی، نقشی است که اشخاص به ایفای آن در جامعه متعهد می‌شوند، و آن نقش در راستای تأمین حقوق بشر و گسترش رفتارهای اخلاقی و مشارکت در بهبود کیفیت سطح زندگی، چه از راه توسعه اقتصادی یا فرهنگی، و حتی با نگرش فعال درباره‌ی محیط زیست پیرامونی است. البته ما معتقدیم که همه‌ی مسئولیت‌ها اعم از مسئولیت در برابر خود، دیگر افراد جامعه و حتی حیوانات و نباتات، از شئون و شاخه‌های مسئولیت در برابر خدا به حساب آمده، همگی در شعاع آن قرار دارند. از اینجا تفاوت نگاه ما با قائلان به اصالت جامعه، که به صورت مستقل حقوق خاصی برای جامعه متصورند و لذا افراد را در قبال آن مسئول می‌دانند، روشن می‌شود. (مصباح، ۱۳۹۰، ص ۱۷۸)

این دسته از فعالیت‌های اجتماعی زنان را می‌توانیم از منظر حکم شرعی آن، در سه قسم ملاحظه کنیم. ۱. فعالیت‌هایی که با عناوین اولیه‌ی خود، دارای حکم شرعی هستند؛ که الزام آور بودن آن به نحو وجوب، موجب ایجاد نوعی مسئولیت شرعی می‌گردد؛ همانند: وجوب امر به معروف و نهی از منکر. ۲. فعالیت‌هایی که با عناوین ثانویه، دارای حکم وجوب شرعی هستند. همانند موارد مرتبط با حفظ نظام اجتماعی. ۳. فعالیت‌هایی که وجوب و الزام شرعی ندارند، بلکه شارع مقدس آن را به عنوان حقی برای زنان شناخته است؛ که این موارد، اعم از مستحبات و مباحات می‌باشند. مورد اخیر، به جهت اینکه واژه‌ی «مسئولیت» بر آن صدق نمی‌کند، تخصصاً از موضوع بحث ما خارج. در مورد اول نیز گرچه یک فعل می‌تواند هم زمان معنون به دو عنوان گردد و از هر دو جهت وجوب شرعی داشته باشد، لیکن موضوع بحث ما در اینجا صرفاً تطبیق مسئولیت‌هایی است که با عنوان ثانویه‌ی حفظ نظام محکوم به حکم وجوب شرعی باشند.

مفهوم قاعده‌ی حفظ نظام

یکی از قواعد مهم فقهی که کاربرد وسیعی دارد، قاعده‌ی «حفظ نظام» یا «عدم اخلال در نظام» است. این قاعده می‌تواند به بسیاری از مشاغل و مسئولیت‌ها که مؤثر در بقای نظام اجتماعی هستند، عنوانی ثانویه عطا کند و از این طریق، حکمی جدید بر آن بار نموده و یا حکمش را تغییر دهد. بنابراین لازم است ابتداءً توضیحاتی در باب این قاعده ارائه دهیم، تا مبنای احکام مسئولیتها تبیین گردد.

مفهوم قاعده، این است که: «به طور کلی هر عملی که موجب اختلال در نظام، در ابعاد مختلف معیشتی و اقتصادی، حفظ اسلام، بعد اجتماعی و سیاسی، قضایی و امنیتی شود، حرام می‌باشد و هر عملی که لازمه‌ی حفظ نظام باشد، واجب است» (باقی زاده و امینی فرد، ۱۳۹۳، ص ۱۷۶) این قاعده، همانند بسیاری از قواعد فقهی در گذر زمان، از جهت مفهومی توسعه پیدا کرده است، برخی پژوهش‌ها معنای اصلی و ابتدائی «نظام» را، نظام معاش جامعه و نظم اجتماعی معرفی می‌نمایند و گسترش معنای قاعده در نظم سیاسی و حکومتی را مربوط به دوران انقلاب اسلامی می‌دانند. (همان، ص ۱۷۴)

ابعاد کاربرد قاعده‌ی حفظ نظام و تطبیق مسئولیت‌ها

به طور کلی می‌توان استناد فقهاء به این قاعده را در چند بُعد ملاحظه نمود؛ و ما در این جا به ذکر آراء حضرت امام خمینی^۷ که جامع این ابعاد است، بسنده می‌کنیم. (ر.ب: جمال زاده و باباخانی، ۱۳۹۶، ص ۱۷-۱۹)

۱. حفظ کیان (بیضه) اسلام. حفظ اساس اسلام از خطرات و بدعتها و وجوب جهاد و دفاع، مبارزه با سلطه‌ی بیگانگان، وجوب امر به معروف و نهی از منکر و پرهیز از سکوت و تقیه در مبارزه با بدعت‌ها، از شئون این مورد هستند. (ر.ب: موسوی خمینی، ۱۴۲۳، ص ۱۴۷) ۲. حفظ نظام معیشت اسلام. که به همین جهت احکامی از سوی فقهاء صادر شده مبنی بر: اماره بودن بازار مسلمانان، اعتبار قاعده‌ی ید و لزوم برپایی اشتغالاتی که مرتبط با حفظ و بقای معیشت مسلمین است. ۳. حفظ نظام اجتماعی مسلمین، که به دنبال آن بر ضرورت تشکیل حکومت اسلامی و اجرای قوانین و حفظ امنیت و استقلال جامعه است. ۴. حفظ نظام سیاسی و حکومت اسلامی و تقدم آن بر سایر واجبات الهی، به جهت ارتباط آن با حفظ اساس اسلام، از شئون این قاعده محسوب می‌شود.

همچنین تبیین ابعاد مختلف و استناد به این قاعده در موضوعات گوناگون را می توان در آثار بسیاری از علماء معاصر مشاهده نمود. از جمله، آیت الله مکارم، (درس خارج فقه، کتاب الحج، ۲۷/۰۹/۱۳۹۰) آیت الله جوادی، (درس تفسیر، ۱۷/۰۱/۱۳۹۸)، استاد ربانی گلپایگانی، (درس امامت، جلسه ششم، ۱۳۸۹)، استاد سید محمود مددی، (درس خارج اصول، ۰۵/۱۰/۱۳۹۵) استاد اعرافی، (درس خارج فقه تربیتی، ۰۷/۱۱/۱۳۷۷) استاد سید کاظم مصطفوی، (درس خارج اصول، ۲۳/۱۰/۱۳۹۴) (ر.ب: وبسایت مدرسه فقاہت)^۲

با توجه به مطالبی که در باب قاعده ی «حفظ نظام» ذکر شد، اکنون می توان مسئولیت هایی که به واسطه ی این عنوان ثانوی، حکم و جوب پیدا می کنند را در ابعاد مختلف آن ترسیم نمود.

برای تطبیق «مسئولیت های اجتماعی زنان» بر عنوان حفظ نظام، ناچاریم این مسئولیت ها را از جهات مختلف به انواعی تقسیم نمود. الف) از منظر نوع فعالیت ها می توان آن ها را به مسئولیت های آموزشی و فرهنگی، مسئولیت های اجرایی و اقتصادی، مسئولیت های سیاسی و مدیریتی و... تقسیم کرد. ب) از جهت مبنای پذیرش و واگذاری آن ها، به مسئولیت های تخصص مینا و جنسیت مینا و... تقسیم می شود. ج) از جهت منشأ الزام نیز، می توان آن ها را به مسئولیت های ناشی از تعهدات و قرار دادها و مسئولیت های تکوینی اجتماعی، دسته بندی کرد.

هر یک از این تقسیم ها به نوعی در شیوه ی طرح بحث، مؤثر خواهد بود. تقسیم اول، از جهت تبیین حیطه ی مجاز مسئولیت های اجتماعی زوجه که امکان تطابق با عنوان حفظ نظام را دار بوده و دریافت حکم و جوب بر آن بلا مانع است. البته اگر ما قائل به جواز اجتماع امر و نهی باشیم، و یا در صورت امتناعی بودن، قائل به اولویت حفظ نظام در مقام تزاحم امر و نهی باشیم، دیگر محدودیتی از جهت مسئولیت های اجتماعی وجود نخواهد داشت. اما تقسیم دوم، از جهت تشخیص میزان ضرورت و انحصاری و بی بدیل بودن مسئولیت ها اهمیت دارد. همچنین در تعیین اولویت های شرعی در تعیین تقدم مسئولیت های اجتماعی زنان در تزاحم با مسئولیت های خانوادگی، مؤثر است. به عنوان مثال: اگر زن مسئولیتی را پذیرفت، که منحصراً فعالیت زنان در آن مجاز است و به جهت کمبود نیرو، نتوان جایگزینی معرفی کرد، حکم آن در تزاحم با حقوق شوهر چیست؟ همانند: پزشک زنان، مامایی، آرایشگری و...؛ همچنین اگر زن دارای تخصصی بود که جامعه به آن نیازمند باشد، یا آنکه استعداد کسب آن تخصص را داشت، ولی به کار گیری آن با حقوق خانواده اش در مقام «زوجیت» در تزاحم بود، کدام مقدم است. اما تقسیم سوم، از جهت مبنای حکم شرعی، اهمیت دارد. زیرا مسئولیت های تکوینی اجتماعی، اگر ذیل عنوان «حفظ نظام» قرار گیرد، با مواردی که ذیل عنوان «اضطرار» و «ضرورت» قرار می گیرد، در نوع وجود و اولویت آن تفاوت خواهد داشت. همچنین در تقابل مسئولیت هایی که ناشی از تعهدات و قرار دادها باشد، می تواند قواعد لاضرر، تزاحم حقیق، تعارض ضررین، و قاعده ی ضرورت، نقش بازی کند؛ اما اگر مسئولیت، ناشی از عوامل دیگری باشد، ممکن است مبنای حل آن متفاوت باشد.

بنابراین خصائص شغلی از قبیل: «شرط جنسیت»، «شرط تخصص»، یا «کمبود نیرو»، «شرایط حفظ جان مسلمین» و ... می تواند در تعیین مسئولیت ها بر زنان مؤثر باشد. لذا هرچند، زنان می توانند در عرصه های مختلفی در جامعه فعالیت نمایند، اما برخی از آنها برای ایشان انحصاری است.

۱. مسئولیت های مرتبط با حفظ اساس اسلام:

الف) وجوب جهاد و دفاع از جامعه اسلامی در مقابل سلطه ی دشمن و حفظ جامعه از تعرض دشمن به خاک و مرزهای جغرافیای کشور اسلامی و یا حفظ عزت و استقلال آن در مقابل آنان. گرچه جهاد ابتدائی برای زن واجب نیست، اما در جنگ- های دفاعی که دشمن به کیان کشورهای اسلامی یورش برده، اگر زن فرمانده لشکر زنان بشود نه تنها جایز است بلکه گاهی واجب نیز هست، چون دفاع از کشور و اسلام، اختصاصی به زن و مرد ندارد. هر جا که دفاع باشد زن همتای مرد و در همه مسائل جنگی و غیر جنگی حضور دارد. (جوادی آملی، زن در آیین جلال و جمال، به نقل از: فرزند وحی، ۱۳۹۳، ص ۱۳۷) علاوه

بر این حضور زنان در بحث پشتیبانی از جبهه ها و مداوای مجروحان، در بسیاری از مواقع ضروری و کارساز می باشد. همانطور که در عصر رسول خدا [و ائمه طاهرين] زنان چنین مشارکت هایی داشته اند. چنان که انس بن مالک نیز نقل کرده: «هرگاه پیامبر [آهنگ جنگی را می نمود، ام سلیم و جمعی از زنان انصار را به همراه می برد تا مسئولیت آب رسانی و درمان زخمی ها را به عهده گیرند.» (سنن ابی داوود، ج ۲۵۳۱، به نقل از: نریمانی، ۱۳۹۴، ص ۲۱۵) همین که امام علی؛ چهل زن را با لباس جنگی در جنگ جمل برای همراهی عایشه فرستاد، نشان از به کار گیری زنان و فعالیت آنان در سپاه حضرت داشت. (مفید، الجمل، ص ۲۲۱)

ب) رفع استیلاء و دخالت طواغیت و حاکمان جور. در این خصوص، نه تنها زنان به عنوان یک فرد انقلابی می توانند فعالیت نمایند، بلکه زنان در انقلاب اسلامی اثبات نموده اند که در بسیاری مواقع پیشرو مردان هستند. به فرموده ی امام خمینی (ره) «این پیروزی را ما از بانوان داریم قبل از اینکه از مردها داشته باشیم. بانوان محترم ما در صف جلو واقع بودند. بانوان عزیز ما اسباب این شدند که مردها هم جرأت و شجاعت پیدا کنند. ما مرهون زحمات شما خانمها هستیم...» (صحیفه ی نور، ج ۷، ص ۶) در مطالعه و بررسی سیره ی معصومین Δ نیز از نوع حضور برخی زنان، که جهت دفاع از ولایت و مسیر حق بوده و این که معصومین Δ از آن نهی نمودند، بلکه مورد تشویق نیز قرار دادند، تقریر معصومین را که حدّ اقل نشان از جواز است، می توان کشف نمود. همانند حضور «أم ایمن» جهت شهادت به نفع حضرت زهرا E در مواجهه ی با دستگاه خلافت و غصب فدک؛ همچنین حضور سوّده دختر عماره بن الاسک همدانی، در مواجهه و اعتراض به معاویه و ذکر مناقب امیر المؤمنین که در تاریخ نقل شده است. (ر.ب: نریمانی، ۱۳۹۴، ص ۱۹۷)

ج) حرمت تقیه و یا سکوت در مقابل انحراف دین و ایجاد خطر بر اساس دین، خصوصاً برای علماء؛ و ضرورت امر به معروف و نهی از منکر با وجود احتمال ضرر، در صورت در خطر بودن اساس اسلام. (ر.ب: موسوی خمینی، ۱۴۲۳، ص ۱۴۷) اسلام برای زنان در پیشرفت علمی مانعی قرار نداده، بلکه به آن توصیه نیز نموده است، همانگونه که در عصر حاضر، رشد علمی فراوانی از خود نشان داده اند. اما این علم مسئولیت هایی برای آنان به دنبال دارد. لذا اگر زنان عالمه در جامعه انحرافی ببینند موظفند روشنگری و هدایتگری نمایند. مخصوصاً در عرصه ی نهی از منکر، در مقابل برخی زنان که تظاهر به فسق و گناه می کنند، انحصاراً زنان می توانند نقش ایفا کنند؛ چراکه غالباً از لحاظ شرعی برای مردان ممنوعیت هایی وجود دارد. (مثلاً: در مواردی که نهی از منکر برای مردان، مستلزم نگاه حرام یا لمس نامحرم باشد). به فرموده ی بنیان گذار انقلاب اسلامی: «شما [زنان] می دانید که فرهنگ اسلام در این مدت مظلوم بود، در این مدت چند صد سال، بلکه از اول بعد از پیغمبر سلام الله علیه تا برسد به حالا فرهنگ اسلام مظلوم بود، احکام اسلام مظلوم بودند و این فرهنگ را باید زنده کرد. و شما خانمها همانطوری که آقایان مشغول هستند، همانطوری که مردها در جبهه علمی و فرهنگی مشغول هستند، شما هم باید مشغول باشید.» (صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۹) بنابراین حضور زنان در این عرصه ها یک ضرورت اجتماعی است. نقل شده است که پیامبر [مسئولیت امور «حسبه» بازار مکه را به سمراء دختر نهیک واگذار کرد، وی به امر به معروف زنان و مردان می پرداخت و کسی را که با او مخالفت می ورزید با تازیانه اش ادب می ورزید. (هیشمی، مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۲۶۴؛ طبرانی، معجم الکبیر، ج ۲۴، ص ۳۱۱، به نقل از: نریمانی، همان، ص ۱۹۸).

د) وجوب تحصیل علمی که موجب قطع نظر کفار از جامعه و کشورهای اسلامی است. امروزه تکنولوژی و کسب علوم پیشرفته، موجب استیلاء مستکبرین بر بسیاری از کشورهای اسلامی شده است. لذا بهره گیری از استعداد زنان در پیشرفت علمی کشور یک امر ضروری و نیازمند برنامه ریزی بلند مدت است. بر اساس آماری که توسط موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی ایران منتشر شده است، در سال تحصیلی ۱۳۹۶-۱۳۹۵، تعداد ۲۷۵ هزار و ۷۴۹ نفر در موسسات آموزش عالی

^۳ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ أَلَا وَ إِنَّ اللَّهَ يُجِبُّ بَغَاءَ الْعِلْمِ.» مشكاة الأنوار في غرر الأخبار، جلد ۱، صفحه ۱۳۳

کشور به تدریس اشتغال داشته اند که از این تعداد، ۳۳،۲ درصد زن و ۶۶،۸ درصد را مردان تشکیل می دهند. (موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی ایران، ۵ آذر ۱۳۹۷)^۴

۲. مسئولیت های مرتبط با حفظ نظام معیشت جامعه اسلامی:

یکی از لوازم حفظ نظام، برپایی اشتغالاتی است که مرتبط با حفظ و بقای معیشت مسلمین می باشد. امروزه مشاغل بسیاری وجود دارد که حضور زنان در آنها عقلاً (به جهت توانمندی بیشتر) و شرعاً (به جهت رعایت الزامات جنسیتی) ضروری است. همانند: مشاغل پزشکی و پرستاری که تصدی زنان به جهت رعایت مسائل شرعی ضروری است. در حال حاضر حدود ۱۱۳ هزار و ۶۶۴ نفر پرستار در کشور مشغول فعالیت اند که با احتساب ۸۰ میلیون جمعیت کشور، حداقل ۲۰۰ هزار پرستار کم داریم. (دکتر رضوی، دبیر شورای عالی برنامه ریزی علوم پزشکی، ۱۵، ۲۰۱۲، ۰۱)؛ همچنین با وجود بیش از ۱۱۷ هزار نفر پزشک و دندانپزشک عمومی، متخصص، فوق تخصص و یا در حال تحصیل برای تخصص، هنوز در کشور دچار کمبود پزشک هستیم. (دکتر ایرج حریرچی، قائم مقام وزیر بهداشت، ۲۶ بهمن ۱۳۹۶) در شغل آموزش و معلمی نیز بر طبق آمار رسمی، ۵۳۲ هزار نفر از کارکنان و معلمان آموزش و پرورش را زنان تشکیل می دهند. (رییس مرکز آمار و فناوری ارتباطات و اطلاعات وزارت آموزش و پرورش، یوسف نوری، ۱۲ شهریور ۱۳۹۲)؛ البته با توجه به آمار حدوداً ۸ میلیون نفری دانش آموزان دختر، ضرورت حضور زنان بیشتر ملموس می شود. (فرحناز مینایی پور، مدیرکل امور زنان و خانواده وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۹۸/۱۲/۰۱)^۵ بسیاری از فعالیت های فرهنگی نیز وجود دارد که در صورت عدم حضور زنان، بالکل تعطیل شده یا کم اثر می شوند. همانند فعالیت های تبلیغی اسلامی، مشاوره و روانشناسی خانواده، ادبیات و نویسندگی، روزنامه نگاری و ...؛ البته ارتباط برخی از این موارد با حفظ نظام اجتماعی، نیازمند بررسی اجتهادی است. به عنوان مثال: حضور زنان در عرصه های نمایش های بصری، تبلیغات و اموری از این دست، گرچه در برخی موارد ضروری به نظر می رسد، اما به طور کلی اولاً: در برخی موارد با مذاق شارع سازگار نیست. چنان که حضرت زینب E در پاسخ ابن زیاد که او را سخنور، سجع پرداز و شاعری همانند پدرش علی بن ابیطالب خوانده بود، هوشمندانه پاسخ داده بود: «ما للمرأة والسجاعة أن لی عن السجاعة لشغلاً، ولكن صدری نفت لما قلت: «زن را به سخنوری و سجع پردازی چه کار. من علاوه بر این مأموریت و کار دیگری دارم که باید به انجام آن بپردازم» (مفید، احکام النساء، ۱۴۱۳، ص ۴۷۳). ثانیاً: اثبات ضرورت آن در بسیاری از موارد دشوار است. بنابراین با توجه به آن چه در آداب حضور اجتماعی زن ذکر شده، (ر.ب: جلالی کندی، آداب مشارکت اجتماعی زنان از منظر اسلام، ۱۳۸۴) جواز و ضرورت حضور این چنینی زن در عرصه های اجتماع، مورد تردید است. ثالثاً: اثبات این که عدم حضور زن در عرصه های مذکور، موجب اختلال نظام باشد، مورد تردید است. البته حذف کلی زنان از این عرصه ها نیز موجب ایجاد تصویر منفی از اسلام در جهان و همچنین ایجاد فتنه و روی گردانی زنان از اسلام خواهد بود. به طور کلی حضور مثبت زنان در عرصه های فعالیت اجتماعی، مورد تأیید بنیان گذار نظام اسلامی نیز بوده است، چنان که فرموده اند: «بانوان ایران درهمه جا فعالیت کردند چه فعالیت های فرهنگی و چه فعالیت های اقتصادی که قشر کثیری از آنها در کشاورزی دخالت دارند و قشر کثیری از آنها درصنعت دخالت دارند و قشر کثیری در فرهنگ و ادب و علم و هنر» (صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۱۸۴). «اما برخی مواقع نیز حضور زن، موجب ایجاد مفسده و عدم اشتغال مردان می شود. چنان که حضرت امام به این موضوع ایراد گرفتند: «اصرار به آنکه زنها در دستگاه های دولتی وارد

^۴<http://www.mefda.ir/news/78609>.

^۵<https://sptnkne.ws/htFH>

پنجشنبه / ۲۶ بهمن ۱۳۹۶ کد خبر: ۹۶۱۱۲۵۱۴۵۷۹. ^۶<https://www.isna.ir/news/96112514579>.

کد خبر: ۹۲۰۶۱۲۰۶۷۹۱، سه شنبه / ۱۲ شهریور ۱۳۹۲. ^۷<https://www.isna.ir/news/92061206791>.

کد خبر ۴۱۸۵۵۶. ۰۱/۱۲/۱۳۹۸. ^۸<https://www.eghtesadonline.com>. ۲۱:۲۰ -

شوند که فساد و بیهوده بودنش بر همه واضح است.» (همان، ج ۱، ص ۴۱۳) البته ایشان بر لزوم ایجاد فضای مناسب اشتغال برای زنان نیز تأکید نموده اند: «زنانی هستند که شرایط بد محیط و اجتماع سابق آنان را از محیط سالم دور نموده است. امیدوارم با تغییر محیط اجتماعی ایران تمام ناروایی‌هایی که معلول آن محیط بود از بین برود. شنیده شده است که اینان تقاضای کار کرده اند. لازم است به وضع آنان هرچه بهتر رسیدگی کنید و موجبات رفاه آنان را با اشتغال به کارهای مناسب فراهم نمایید.» (صحیفه امام، ج ۶، ص ۳۸۱)

۳. مسئولیت‌های مرتبط با حفظ نظام اجتماعی مسلمین

به دنبال حفظ نظام اجتماعی، بر ضرورت تشکیل حکومت اسلامی و تعیین حاکم در جامعه تأکید شده و در پی آن اجرای قوانین، برقراری نظم و امنیت و حفظ استقلال جامعه را لازم شمرده اند. همچنین تأمین نظام عادلانه‌ی اجتماعی و هدایت و تأمین سعادت افراد جامعه از شئون همین قاعده است. حتی در بحث نظامی و امنیتی نیز حضور زنان در بسیاری از مواقع ضروری است و با وجود اینکه حدوداً ۷۲۰۰ پلیس زن در مجموعه نیروی انتظامی در حال خدمت هستند، باز هم کمبودهای زیادی وجود دارد. (سردار محمدجواد زاده‌کمند، جانشین معاون هماهنگ‌کننده ناجا، ۲۲ مهر ۱۳۹۴)

۴. مسئولیت‌های مرتبط با حفظ نظام سیاسی و حکومت اسلامی

تقدم آن بر سایر واجبات الهی، به جهت ارتباط آن با حفظ اساس اسلام، از شئون این قاعده محسوب می‌شود. لزوم شرکت در انتخابات و عرصه‌هایی که موجب تقویت و حفظ نظام می‌شود؛ از قبیل: تظاهرات‌ها یا کارهای سیاسی و امنیتی و حتی جواز تجسس و کسب اطلاعات، از آثار این جنبه در قاعده‌ی «حفظ نظام»، محسوب می‌گردد.

از دیدگاه امام خمینی^۷ در نظام اسلامی، زن باید همانند مشارکت فعال در بنای جامعه اسلامی داشته باشد. ایشان فرموده‌اند: «زن باید در سرنوشت خودش دخالت داشته باشد. زنها در جمهوری اسلام رأی باید بدهند. همان طوری که مردان حق رأی دارند، زنها حق رأی دارند.» (صحیفه امام، ج ۶، ص ۳۰۰) «همان طوری که مردها باید در امور سیاسی دخالت کنند و جامعه خودشان را حفظ کنند، زنها هم باید دخالت کنند و جامعه را حفظ کنند. زنها هم باید در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی همدوش مردها باشند.» (همان، ج ۱۸، ص ۴۰۳) ایشان مشارکت سیاسی زنان را یک تکلیف شمرده و فرموده اند: «خانمها حق دارند در سیاست دخالت بکنند، تکلیفشان است. روحانیون هم حق دارند در سیاست دخالت بکنند، تکلیف آنهاست.» (همان، ج ۱۰، ص ۱۵) «امروز باید خانم‌ها به وظایف اجتماعی و دینی خودشان عمل کنند و عفت عمومی را حفظ بکنند و روی آن عفت عمومی کارهای اجتماعی و سیاسی را انجام بدهند.» (صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۱۹۳-۱۹۲) آیت الله مکارم نیز در پاسخ به این سؤال که اگر امر شوهر در تقابل با امر ولی فقیه قرار بگیرد اطاعت از کدامیک لازم است؟ در پاسخ فرموده اند: در مسئله مربوط به حکومت باید از ولی فقیه پیروی شود. (پایگاه اطلاع‌رسانی آیت الله مکارم)^{۱۰}

شرایط اعمال قاعده حفظ نظام:

برای اعمال این قاعده، شرایطی ذکر شده که لحاظ آن ضروری است؛ (خورسندیان و شرعی، ۱۳۹۵، ص ۹۲) از جمله:

۱. عام بودن نظام. بنابراین تنها تضييع ضروریاتی ملاک است که در ردیف نظامات عام معنا یابد و مرتبط با اجتماع باشد، برخلاف ضروریات فردی و جزئی. به عبارت دیگر باید انجام آن مسئولیت، موجب حفظ نظام اجتماعی شود و ترک آن موجب اختلال و هرج و مرج.

^۷<https://www.khabaronline.ir/news/467869>.

^{۱۰}<https://makarem.ir/main.aspx?typeinfo=21&lid=0&catid=46470&mid=259709>

۲. عدم تعارض با مصالح اهم. در برخی مواقع، امری که موجب برهم ریختن نظام اجتماعی می شود، دارای اهمیت ویژه ای است که سبب ارجحیتش می شود. مثال هایی برای آن در ابواب تقیه ذکر شده است.
۳. تشخیص مصداق، توسط عالمان به شریعت و مذاق شارع.
۴. عمل به اندازه نیاز و در زمان ضرورت. بنابراین تغییر احکام بدون وجود ضرورت اهم، میسر نخواهد بود.

بررسی حکمی مسئولیت های نظامی، به عنوان یکی از مصادیق حفظ نظام:

گرچه مصادیق فراوانی برای این موضوع وجود، اما در این جا به واسطه ی حساسیت موضوع، به مسئولیت های نظامی و اطلاعاتی می پردازیم.

این نوع مسئولیت ها اولاً: نیاز به زنان در آن ها، حیاتی و بی بدیل می باشد. چراکه در برخی موارد، ممنوعیت های شرعی وجود دارد. همانند پلیس امنیت اخلاقی که در ارتباط با زنان، رعایت نکات شرعی، از جمله پرهیز از لمس و نگاه حرام، ضروری تر از موارد دیگر است. یا این که ممکن است حضور زن به عنوان جاسوس یا مخبر، به عنوان یک پوشش اطلاعاتی، ضروری باشد. بنابراین بر مبنای ما که اطاعت از زوج را در «نهی از غیر معروف» واجب می دانیم، (ر.ب: قادری، بررسی مسئولیت زوجین در تعارض حقوق خانواده با مسئولیتهای دینی و اجتماعی، ۱۳۹۹، ص ۱۶۴)^{۱۱} اگر عموم مردان جامعه بخواهند با استفاده از این اختیار، مانع از حضور زنان در این مسئولیت ها شوند، با توجه به این که این نوع فعالیت زنان، یک معروف شرعی و عرفی است، امر شوهر، خلاف معروف بوده و شرعاً مَطاع نخواهد بود. مخصوصاً جایی که مانعیت مردان، به یک پوشش همگانی در جامعه تبدیل شود، که موجب اخلال در حفظ نظام خواهد بود. اما اگر منع شوهر، به صورت موردی بوده و سببی که مصلحت اهمی را دنبال کند، وجود داشته باشد، _ همانند: مواردی که زوجه دارای فرزند شیر خواری است که به او آسیب می رسد، _ باید ضمن رعایت مراتب اضطرار و ضرورت، اطاعت از همسر را اولویت داد، چراکه شرایط کودک، خصوصاً نوزادانی که شرایط خاص مراقبتی دارند (همانند نوزادان نارس)، بی بدیل است و یک واجب عینی بوده، در مقابل مسئولیت های اجتماعی ذی بدل و کفایی هستند، (ر.ب: قادری، مختاری و کیخا، ۱۴۰۰، ص ۱)^{۱۲} مگر شرایط به گونه ای باشد که حفظ جان تعدادی از مسلمین، منحصرأ به ایفای نقش زوجه بستگی داشته باشد، که در این صورت، بر طبق مرجحات باب تزاحم، باید حقوق متعدد بر حق واحد، مقدم شوند. (ر.ب: قادری، رساله، باب حقوق کودک) اما بررسی تقابل این مسئولیت ها با بحث تمکین، نیازمند لحاظ شرایط دیگری است که در ادامه می آید.

ثانیاً: این نوع مسئولیت ها نیازمند دوره ها و آموزش های بلند مدت است و معمولاً سازمان های مربوطه باید مدت ها قبل از به کارگیری نیرو، به گزینش، جذب و آموزش آن بپردازند. بنابراین اگر قرار باشد، در زمان به کارگیری نیرو، موانعی از قبیل ممانعت همسر پیش آید، این می تواند برای نظام خسارت آور باشد. خصوصاً در مواردی، تجربه، توانمندی و خصوصیات دیگر یک نیرو، موجب انحصار و تعیین مسئولیت بر عهده ی یک شخص می شود؛ که در این مواقع، جایگزین نمودن فرد دیگر بسیار دشوار است. بنابراین اگر علقه ی زوجیت، قبل از شروع این نوع فعالیت ها و جذب زن در این ارگان ها باشد و شوهر با علم به شرایط شغلی آن را پذیرفته باشد، نمی تواند مانع آن شود؛ هرچند با حق تمکین شوهر نیز تزاحم داشته باشد. مگر آن که بگوییم: مستند به ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی «شوهر می تواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که منافی مصالح خانوادگی باشد منع نماید». بنابراین مخالفت با مصالح شوهر را در حکم «مصالح خانواده» تعبیر کنیم. در مورد حقوق کودک، نیز باید به همان

^{۱۱} رساله دکتری، محمد علی قادری، رشته فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، بهار ۱۳۹۹.

^{۱۲} عنوان: چالشهای فقهی مسئولیت زوجه، نسبت به نوزاد، مبتنی بر داده های پزشکی با تأکید بر نوزادان نارس. نویسندگان: محمد علی قادری، نادر مختاری افراکتی، محمدرضا کیخا، پذیرفته شده در مجله فقه و اصول، انتشار آنلاین از تاریخ ۰۱ مرداد ۱۴۰۰.

معیارهایی مراجعه نمود که در بحث حقوق کودک مطرح شد. لیکن اگر عنوان حفظ نظام بر شغل زوجه صادق باشد، مصالح فردی مانعیتی ایجاد نمی کند. اما در صورت عدم علم او نیز با توجه به خسارت بار بودن رها نمودن مسئولیت، مبتنی بر قاعده ی لاضرر، می توان جلوی حکم شوهر را گرفت یا اینکه در تعارض ضررین، بر مبنای اهمیت نوع مشاغل، به عدم لزوم اطاعت از همسر حکم داد. مگر آن که حضور زن در آن مسئولیت، مخالف با حق تمکین شوهر و حق رضاع و حضانت کودک باشد؛ همچنین اشتغال زوجه به جهت کثرت نیرو ضروری نبوده و بتوانند به نحوی خسارت آن را تدارک نمایند؛ در این صورت به جهت اهمیت حق شوهر و کودک، واجب است، زوجه کار خود را موقتاً یا دائماً بر حسب نیاز، ترک نماید.

در نهایت می توان گفت: اگر حفظ نظام، منوط به ادامه اشتغال زوجه باشد و فرد جایگزینی که در ادای مسئولیت، کفایت کند نباشد و ضرر ترک شغل، بیشتر از خسارت به خانواده باشد، شوهر نمی تواند مانع همسر شود. به فرموده ی امام خمینی (ره) «مسئله حفظ نظام جمهوری اسلامی از اهمّ واجبات عقلی و شرعی است که هیچ چیز به آن مزاحمت نمی کند» (صحیفه امام ج ۱۹ ص ۱۵۳) همچنین ایشان ضمن گوشزد کردن شرایط بحرانی زمان و هجمه ی دشمنان می فرمایند: «این یک تکلیف الهی است برای همه که اهمّ تکلیف‌هایی است که خدا دارد؛ یعنی، حفظ جمهوری اسلامی از حفظ یک نفر_ ولو امام عصر باشد_ اهمیتش بیشتر است؛ برای اینکه امام عصر هم خودش را فدا می کند برای اسلام.» (صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۳۶۵)

نتیجه گیری:

از جمله نتایج به دست آمده در این پژوهش عبارت است از اینکه اولاً: محدودیتی در پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی برای زنان، با رعایت آداب شرعی وجود ندارد. ثانیاً: انطباق مسئولیت‌های زنان با عنوان حفظ نظام، در چهار بُعد حفظ کیان اسلام، حفظ نظام معیشت، حفظ نظام اجتماعی و حفظ نظام سیاسی و حکومتی قابل تصور است. ثالثاً: خصائص شغلی زنان، از قبیل: «شرط جنسیت»، «شرط تخصص»، «خلاً کمبود نیرو»، «حفظ جان مسلمین»، «شئون اختصاصی زنان مسلمان» و «انحصار برخی استعدادها در زنان» از اهمّ معیارهای انطباق با عنوان حفظ نظام می باشد و این نوع مسئولیت‌ها را در تزامن با سایر احکام و حقوق، در اولویت قرار می دهد. در بیان تطبیق عنوان حفظ نظام بر مشاغل امنیتی و نظامی نیز که به عنوان نمونه مورد بررسی قرار گرفت، این به دست آمد که: اولاً: گرچه جهاد ابتدائی برای زن واجب نیست، اما در دفاع از سرزمینهای اسلامی و مسلمانان، زن همتای مرد و در همه مسائل جنگی و غیر جنگی حضور دارد و این موضوع مستند به سیره ی معصومین علیهم السلام می باشد. ثانیاً: نیاز به زنان در این نوع مسئولیتها، حیاتی و بی بدیل است و لذا در تقابل با حق اطاعت از زوج نیز، بر مبنای عدم لزوم اطاعت از زوج در «نهی از معروف» و منع از اخلال در حفظ نظام، امر و نهی زوج مطاع نخواهد بود. ثالثاً: در تبعیت از شوهر در موارد وجود مصالح خانوادگی نیز باید ضمن رعایت مراتب اضطرار و ضرورت تبعیت از همسر صورت گیرد. رابعاً: در صورت ایجاد ضرر بر همسر یا فرزند نیز ضمن مراجعه به قواعد باب تعارض ضررین، و لحاظ مراتب اهم و مهم، می توان بر مبنای اهمیت این نوع مشاغل، در غالب موارد به عدم لزوم اطاعت از همسر حکم داد.

فهرست منابع:

قرآن کریم

۱. فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، موسسه دار الهجرة، قم - ایران، اول، ۱۴۱۴ق.
۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، در یک جلد، دار العلم - الدار الشامیه، لبنان - سوریه، اول، ۱۴۱۲ هـ ق
۳. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، کتابخانه ی گنج دانش. تهران- ایران، ۱۳۸۷ هـ ش.
۴. محسنی فرید، و سعید جوهر، ارتباط مسئولیت اجتماعی و مسئولیت کیفری تعامل یا تقابل، پژوهش حقوق کیفری، سال سوم، شماره هشتم، پاییز ۱۳۹۳، ص ۸۷-۱۱۳.
۵. شهریار پور، علیرضا، مبانی جامعه شناختی مسئولیت اخلاقی در اخلاق اسلامی، معرفت اخلاقی، سال سوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۱، شماره ۱۲.
۶. باقی زاده، محمد جواد؛ و امید فر، عبدالله؛ ضرورت حفظ نظام و منع اختلال در آن در فقه امامیه، شیعه شناسی، دوره ۱۲، شماره ۴۷ - شماره پیاپی ۴۷، پاییز ۱۳۹۳، صفحه ۱۷۰-۲۰۰
۷. جمال زاده، ناصر، باباخانی، مجتبی؛ کاربرد قاعده حفظ نظام در اندیشه فقهی سیاسی امام خمینی (ره)، دانش سیاسی، سال سیزدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۶، شماره ۱ (پیاپی ۲۵)
۸. فرزندی وحی، جمال، حسینی سارا، مرادی، پریا، نقد و بررسی برخی از حقوق سیاسی و اجتماعی زن در اسلام، دوره ۵، شماره ۱۶، بهار ۱۳۹۳، صفحه ۱۲۳-۱۵۱
۹. نیرمانی، مهدی، کاوشی نو در مسئله حضور اجتماعی زنان، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، چاپ اول، ۱۳۹۴.
۱۰. مفید، محمد بن محمد، محقق: میرشریفی، علی، الجمل، مکتب الاعلام الاسلامی، ایران-قم، ش ۱۳۷۱.
۱۱. خمینی، روح الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، صحیفه امام: مجموعه آثار امام خمینی (س)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، ۱۳۷۸ ش.
۱۲. خمینی، روح الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، ولایت فقیه، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، چاپ دوازدهم، ۱۴۲۳ ق.
۱۳. طبرسی، علی بن حسن بن فضل، مشکاة الأتوار فی غرر الأخبار، کتابخانه حیدریه، عراق-نجف، اول؛ ۱۳۸۵.
۱۴. مفید، محمد بن محمد بن نعمان عکبری، أحكام النساء (للشیخ المفید)، در یک جلد، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید - رحمة الله علیه، قم - ایران، اول، ۱۴۱۳ق.
۱۵. جلالی کندی، سهیلا، آداب مشارکت اجتماعی زنان از منظر اسلام، تحقیقات علوم قرآن و حدیث تابستان ۱۳۸۴ شماره ۴.
۱۶. خورسندیان، محمدعلی، شرعی، الهام؛ مبانی قاعده نفی اختلال نظام در فقه اسلامی و حقوق موضوعه، فصلنامه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دوره ۴۹، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۵، صفحه ۸۳-۱۰۴
۱۷. قادری، مختاری افراکتی، کیخا، چالشهای فقهی مسئولیت زوجه، نسبت به نوزاد، مبتنی بر داده های پزشکی با تأکید بر نوزادان نارس، مجله فقه و اصول، انتشار آنلاین از تاریخ ۰۱ مرداد ۱۴۰۰.

وبسایت ها:

1. <https://dictionary.abadis.ir>
۲. <http://mesbahyazdi.ir/node/5203>. پایگاه اطلاع رسانی آثار حضرت آیت الله مصباح یزدی. نشر: آبان ۱۳۹۰.
۳. www.eshia.ir. مدرسه فقهت
۴. <http://www.mefda.ir/news/78609> پایگاه معاونت فرهنگی وزارت بهداشت
۵. <https://www.isna.ir> خبرگزاری ایسنا
۶. <https://www.eghtesadonline.com> خبرگزاری اقتصاد
۷. <https://www.khabaronline.ir> پایگاه اطلاع رسانی آیت الله مکارم
۸. <https://www.khabaronline>



Jurisprudential study of the application of the secondary title of maintaining order on women's social responsibilities, with emphasis on the view of Imam Khomeini (Ra)

Mohammad Ali Ghaderi 1

۱. Assistant Professor, Department of Islamic Education, Zahedan University of Medical Sciences, PhD in Islamic Law and Fundamentals of Law (Corresponding Author)

Women's social presence, Due to unfavorable social conditions, Incorrect intellectual foundations, Discriminatory behavior and social corruption, from a long time ago From a moral and jurisprudential point of view, it is in a shadow of ambiguity. Islam by means of teachings derived from revelation and the source of creation, Explains the natural and real position of women And it is recognized. In this regard, the holy shari'a has placed responsibilities on women Some of them, with their primary titles and some with their secondary titles, make the activity and role of women in the field of society a necessity. One of the most important secondary topics is the title of maintaining the system, which is important due to its priority and precedence over other rules and rules of jurisprudence and is a kind of ruler over other arguments. . Imam Khomeini's new approach to this rule is important and instructive in developing the concept and its examples in solving socio-jurisprudential problems. In this descriptive-analytical study, while explaining the types of responsibilities of women in society, and explaining the concept, conditions and functions of the rule of maintaining order, a comparative study of examples of this rule on women's social responsibilities has been done, And the role of women in military responsibilities was examined as an example. One of the results obtained in this study is that, firstly: there is no restriction on accepting social responsibilities for women, in compliance with religious customs. Second: The adaptation of women's responsibilities as maintaining order is conceivable in four dimensions: maintaining the foundation of Islam, maintaining the livelihood, maintaining the social system, and maintaining the political and governmental system. Third: The occupational characteristics of women, such as: "gender condition", "specialization condition", "lack of manpower", "saving the lives of Muslims", "special status of Muslim women" and "monopolization of some talents in women" are the most important criteria for compliance with It is the title of maintaining order and prioritizes these types of responsibilities in conflict with other rulings and rights.

Keywords: Imam Khomeini (RA), system maintenance, jurisprudence, secondary title, responsibility, social.